

سهم استبداد دیوان سالارانه در ناکامی طرح‌های توسعه در ایران

از احمد آل یاسین

۹- سیستم‌های مخابراتی و اطلاع‌رسانی، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، سازمان‌های عظیم انتشاراتی، کتب، روزنامه‌ها و مجلات

۱۰- طرح‌ها و اقدامات زیست محیطی.

با این‌که مهندسين و مديران اجرائی در تمام لحظات زندگی انسان‌ها حضور دارند، ولی در مشارکت و تصمیم‌گیری برای مدیریت جامعه و کاربری تجارب خود در کاهش ضایعات و زیان‌های جامعه از یک طرف و افزایش بهره‌وری منابع محدود از طرف دیگر، در راستای تحقق توسعه پایدار نقش مؤثری ندارند.

بررسی‌های کارشناسی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که هزاران طرح مطالعه نشده و غیرقابل توجیه در کشور، نیمه‌کاره رها شده، زیرا طرح‌های ملی و تأثیرگذار در کشور هیچ‌گاه از شورای کارشناسی و مصلحت‌اندیشی عبور نکرده و صرفاً براساس میزان نفوذ، قدرت و ارتباط افراد به مرحله اجرا درآمده است. اقدام مجلس شورا در تصویب تبصره لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ (بهمن ماه ۱۳۷۷) به شرح زیر، یکی از نمونه‌های شاخص برای اثبات درستی ادعای فوق‌الذکر است:

به موجب بند اول تبصره ۲۴ لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ که به تصویب مجلس شورا رسیده است، به دولت اجازه داده می‌شود که وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی طرح‌های نیمه‌تمام و خاتمه یافته غیرمورد نیاز را به طور نقد و

اقساط و از طریق مزایده به فروش رسانند. یعنی یک حراج نافرجام برای تصمیمات نسنجیده، زیرا ارزش افزوده‌ای در کار نیست. (۱)

شواهد و تجارب حاکی است که ملت ایران در ۵۰ سال اخیر خسارات بسیاری بابت تصمیمات قایم به ذات مجریان پرداخته و شاهد طرح‌های بسیار گران‌قیمت، هزینه‌خوار و بی‌ثمر بوده است. مشکلات اجتماعی - اقتصادی ایران با رشد روزافزون جمعیت، کاهش امکانات و منابع و در غیاب برنامه‌سازی علمی و مناسب روبه افزایش است و تنها هنگامی می‌توان شاهد سامان‌دهی مطلوب و کاهش مشکلات بود که کارشناسان خبره و خیراندیش در حوزه‌های تصمیم‌گیری ملی، مانند شوراهای حضور فعال و مؤثر پیدا کنند.

تشکیل شوراهای و مطالبی که در مورد حرکت به سوی جامعه مدنی همراه با قانون‌پذیری و دوری جستن از قانون ستیزی در سال‌های اخیر ابراز شده، در ذهنیت مدیران اجرائی و مهندسين و کارشناسان کشور این امیدواری را به وجود آورده است که با تشکیل شوراهای و سپردن سرنوشت روستاها، محلات، شهرک‌ها، شهرها و استان‌ها به دست متولیان کارآمد و باتدبیر، تصمیم‌گیری در اجرای طرح‌ها براساس منویات شخصی و اقتدار مدیریتی، جای خود را به مصلحت‌اندیشی خردورزانه و کارشناسانه در مجمع شوراهای می‌دهد. در سایه چنین نهادهای مدنی که اولین پایه‌های محکم تحقق جامعه مدنی و قانونمند است،

در دنیای معاصر رابطه تنگاتنگی بین نقش مدیران اجرائی و مهندسين با زندگی انسان‌ها وجود دارد. به طوری که از کمتر فعالیتی در زیست روزانه انسان می‌توان یاد کرد که در آن نقش مهندس، دیده نشود. اگرچه مهندسين و مدیران اجرائی در تمام زمینه‌های زندگی روزمره نقش مؤثری دارند، ولی برای نمونه به ذکر چند مورد به شرح زیر اکتفا می‌شود:

- ۱- خدمات برق، آب، گاز و تلفن
- ۲- شهرسازی، توسعه شهری، راه‌ها، آزادراه‌ها، تونل‌ها، پل‌ها و بنادر
- ۳- سدسازی، شبکه‌های آبیاری و آبرسانی، فاضلاب و انواع تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب
- ۴- مجتمع‌های عظیم آموزشی، درمانی، مسکونی، اداری، عملیاتی، رفاهی و ورزشی
- ۵- فعالیت‌های کشاورزی و تولید غذا و صنایع غذایی
- ۶- کارخانجات صنعتی از صنایع مادر تا صنایع تسلیحاتی، حمل و نقل، الکترونیکی، خانگی و بهداشتی
- ۷- خدمات درمانی و آزمایشگاهی و استفاده از پیچیده‌ترین ماشین‌های پزشکی
- ۸- حمل و نقل درون‌شهری، برون‌شهری، هوایی، دریایی و زیرزمینی

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین‌المللی آرامکس



با پنجاه سال سابقه در جهان
حمل و نقل بین‌المللی هوایی در جهان

آرامکس

ARAMEX

It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۶۴۰۳۹۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

اجرای طرح‌های آتی با پشتوانه منطقی، سبب اندوه و افسوس مدیران و کارشناسان نخواهد شد. طرح مطلب فوق به منظور بزرگ‌نمایی سوهنیت و یا سرزنش کارگزاران اجرای طرح‌های ناموفق نیست، زیرا این شرایط را ناشی از یک فرایند تاریخی و اجتماعی در گذشته که ریشه آن عمدتاً باید در فرهنگ و سنت دیرینه تاریخی ایران جستجو شود، می‌دانیم.

فرهنگ ما در طول تاریخ، فرهنگ پدرسالاری بوده، به طوری که همواره رابطه‌ای یک‌سویه وجود داشته است. از درون خانواده، (رابطه پدر با فرزندان) تا در سطح اجتماعی (رابطه کدخدای خان، حاکم، فرمانروا، سلطان با توده مردم) روابطی یک‌طرفه بوده و همواره یک نفر به جای یک جامعه تصمیم می‌گرفته است. در نتیجه رابطه مذکور پیوسته با یکی از دو پدیده اطاعت محض یا عصیان همراه بوده است.

یعنی یا اطاعت و تسلیم و تقدیس پدر و حاکم جاری بوده، و یا پدیده عصیان، شورش و اعتراض که آن خود ناشی از پدیده تسلیم و اطاعت تلقی می‌شود، حاکمیت داشته است. در نتیجه، در طول تاریخ، همواره زندگی اجتماعی بین دو پدیده فوق در نوسان بوده و سیکل تاریخی رکود سیاسی یا بسیج انقلابی حاکی از تعارض دو پدیده مذکور و نفوذ خان سالاری و پدرسالاری شناخته می‌شود. دکتر زیباکلام در کتاب سنت و مدرنیسم خود

چنین می‌نویسد:

«پادشاه در رأس الیگارشی حاکم قرار داشت و فرمانروای مطلق بود. حکمش قانون، کلامش حق، اراده‌اش مطلق، عقلش بالاتر از همه، منویاتش واجب‌الاطاعه، رأیش ثاقب، و وجود مبارکش در حقیقت «سایه خدا» بود بر روی زمین که هر جنبنده‌ای به زیر آن پناه می‌برد. نه حزبی وجود داشت نه تشکیلات سیاسی، نه حق و حقوق صنفی، نه امنیت سیاسی، نه ملجا و پناه اجتماعی» (۲)

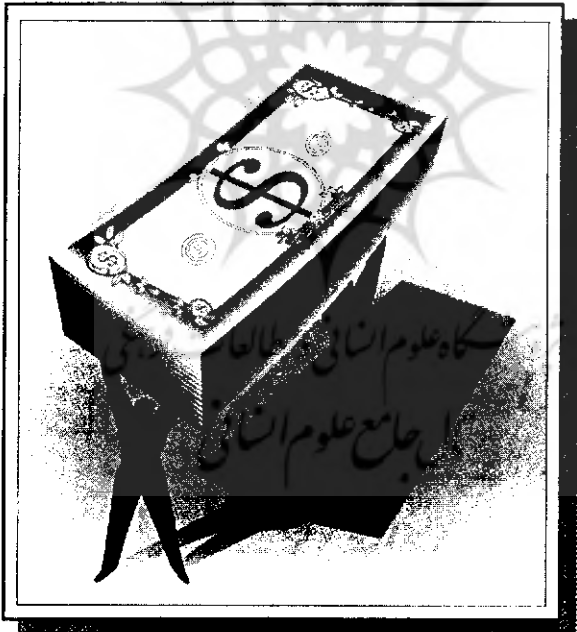
همین رویه و فرهنگ سنتی در طول تاریخ در تمامی سطوح جامعه، در شهر و روستا و در خانه و بازار چنان جاری و عادت شد که هنوز دولت‌مردان و صاحب‌منصب‌ها، خود را ولی و قیم توده مردم برای تصمیم‌گیری می‌دانند.

پنج اصل گفتمانی

خبر روزنامه ایران در چهارشنبه ۳۰ دی ماه

۱۳۷۷ مینی بر فروش طرح‌های نیمه‌تمام دولتی، نمونه بارز شکست برنامه‌ها و طرح‌های فاقد توجیه علمی، اقتصادی و اجتماعی است.

برج‌های مسکونی و اداری ساخته شده در کوچه باغ‌های تنگ و فشرده شمیران، همراه با ایجاد معضلات عدیده رفاهی و خدماتی، احداث بزرگراه تهران - شمال فارغ از مخالفت‌های دلسوزانه کارشناسان و متخصصین مسایل اجتماعی و زیست محیطی، نابودی تدریجی اراضی حاصلخیز کشاورزی و برنج‌زارهای شمال و تغییر کاربری آنها به اراضی سودآور تجاری و مسکونی، توسعه شهرک‌سازی در نواحی جنگلی، تجاوز به حریم رودخانه‌ها و تخصیص‌های بی‌رویه منابع محدود آب کشور، هجوم بی‌مطالعه و احداث عجولانه سدهای مخزنی متعدد در دهه گذشته و بالاخره هزاران طرح کشاورزی و صنعتی ورشکسته و هزینه‌بر، محصول ادامه نظام پدرسالاری در فرایند دیوان‌سالاری کشور است.



روابط عاطفی پدرفرزندی، بزرگ‌تر و کوچک‌تر، مرید و مراد، همه نشأت گرفته از رابطه یک‌سویه سنتی است. جزم‌اندیشی همواره مانع از پذیرفتن اندیشه جدید شده و با چوب تکفیر سرکوب گردیده و به همین جهت در حوزه اجتماعی سابقه گفتگو، تبادل نظر و بحث به یک پدیده رایج و قابل قبول اجتماعی تبدیل نشده است.

جزم‌اندیشی سنتی سبب جلوگیری از کثرت‌گرایی (فرهنگ چندصدایی) سدی در راه تحرک صاحبان اندیشه و تخصص و منجر به منزوی شدن فرهنگدان و خردورزان گردان شده است.

ملت ایران در طول تاریخ گذشته تنها از استبداد سیاسی و حاکمیت یک فرد یا گروه به طور یک‌طرفه رنج نبرده، بلکه استبداد دیوان‌سالارانه مجریان و نوع جدید آن، تحمیل طرح‌های نافرجام و ناکام ۵۰ سال اخیر، بدون مشورت‌های کارشناسی و صرفاً بنا به تمایل شخصی مقامات مسئول وزارتخانه‌ها و گماردن گروهی کارشناس خودی برای توجیه کردن آنها، سبب وارد آمدن خسارات اقتصادی و اجتماعی غیرقابل جبرانی به عموم مردم شده است. قصد این نیست که گفته شود همه مجریان طرح‌های عمرانی، صنعتی و توسعه، سوهنیت داشته‌اند، بلکه آنها محصول ساختار جزم‌گرایی و عدم توجه و احترام به اندیشه

و نظر دیگران در شرایط تاریخی و فرهنگ سنتی بوده‌اند و کم و بیش هنوز هم وجود دارند. ما در دوره تکنولوژی و اقتصاد علمی زندگی می‌کنیم، در حالی که فرهنگ حاکم بر عادات و اخلاقیات ما متعلق به دوران دیگری است و امروز کاربرد ندارد.

دکتر غنی‌نژاد در «کتاب تجدیدطلبی و توسعه در ایران» معاصر می‌نویسد:

«تا زمانی که تحول فکری و ارزشی در افراد جامعه به وجود نیامده، انتقال تکنولوژی مدرن، تربیت کادزهای فنی، و به طور کلی مهندسی اجتماعی در زمینه‌های گوناگون، به خلاف

تصور تکنوکرات‌ها، هیچ گرهی از توسعه اقتصادی - اجتماعی را نمی‌گشاید. تکنولوژی پیشرفته همانند گیاه پربراری است که اگر در شوره‌زار کاشته شود، بعد از اندک مدتی پژمرده خواهد شد.

نمونه آن حراج طرح‌های نیمه‌تمام دولتی، صنایع ورشکسته نساجی و صدها کارخانه صنعتی تعطیل شده در سال‌های اخیر است. (۳)

لذا برای سرانجام یافتن برنامه‌سازی توسعه کشور در کلیه زمینه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی راهی جز دعوت از اندیشمندان، خردورزان و کارشناسان در عرصه شوراها و فراهم‌سازی زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر و انتخاب اصیل نیست.

شوراها وسیله‌ای مطمئن برای شکستن این رابطه یک‌سویه و حضور فعال مردم و کارشناسان در شوراها برای مشارکت در مدیریت اجتماعی است.

یومال Umalele تعریف ساده‌ای از مشارکت را به شرح زیر به دست می‌دهد:

«مشارکت در مفهوم گسترده‌اش، برانگیختن حساسیت مردم و نتیجتاً به معنی افزایش درک و توان آنان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است.» (۴)

مهم‌ترین شاخص جامعه مدنی، انجمن‌ها و جوامع داوطلبانه غیردولتی است که به مثابه یک پل، توده مردم را با دولت مرتبط می‌کند. انجمن‌های صنفی، جامعه‌های تخصصی، سندیکاها، کانون‌های فرهنگی، باشگاه‌ها، انجمن‌های محلی، اتحادیه‌ها و انواع شوراها از جمله نهادهایی هستند که هسته و گوهر جامعه مدنی شناخته می‌شوند.

جوهر اصلی شوراها را «آگاهی» و تسلط معرفتی اعضا شورا به مقوله‌ها و مفاهیم مورد عمل شوراها تشکیل می‌دهد. شورا هنگامی هویت می‌یابد و می‌تواند عامل تحول و تغییر پیش‌رونده شناخته شود که اعضای آن علاوه بر متصف بودن به صفت صداقت از «معرفت و آگاهی» بسیط در زمینه وظایف تخصصی شوراها بهره‌مند باشند.

به نظر هابر ماس «آگاهی» است که انسان را به عنوان موجودی دموکراتیک معرفی می‌کند و این «آگاهی» با شرکت در مباحثات، که همراه با وفاق بدون اجبار تعریف شده است، به دست می‌آید. وی صداقت را اصل عمومیت یافتن اخلاق گفتمانی می‌داند. شبیه این اصل را هابر ماس در مورد «حقیقت» نیز اظهار می‌دارد، مباحثات تضمین کننده

مشارکت برابر و آزاد، در جستجوی جمعی برای «حقیقت» هستند، جایی که هیچ اجباری برای کسی وجود ندارد جز استدلال و بحث بهتر و برتر. (۵)

مدیریت و هدایت شوراها امر بسیار حساس و ظریفی است. اداره کردن شوراها در جهت وصول وفاق و اجتناب از جدل و مناقشه عامل موفقیت شورا و سبب رشد جامعه مدنی می‌شود. در شوراها که برجسته‌ترین نهاد جامعه مدنی است، به کمک اندیشه‌مندان و فرزندان به فهم درستی از استعمار، امپریالیسم، سرمایه‌داری، رشد، وابستگی، عقب‌ماندگی، دموکراسی، آزادی، توسعه و حرمت انسانی دست خواهیم یافت. در راستای درست فهمیدن مقوله‌ها و تنگناهای اجتماعی و با بهره‌مندی از صداقت و نیک‌پنداری اعضای شوراها به جستجوی حقیقت و یافتن راه کارهای علمی و اصولی منطبق بر منافع و مصالح عمومی جامعه توفیق خواهند یافت. هابر ماس در این مورد پنج اصل گفتمانی را لازم‌الرعا به می‌داند:

شکست برنامه‌های گران‌قیمت. هزینه خوار و بی‌ثمر در کشور ما محصول ادامه نظام پدرسالاری در فرایند دیوان سالاری کشور است

۱- هیچ بخشی به واسطه آن که مورد بحث و مباحثه قرار می‌گیرد از گفتمان استثنا نشود. (شرایط عمومی)

۲- تمام افراد شرکت‌کننده در گفتگو باید امکان برابری، در فرایند گفتمانی داشته باشند. (استقلال)

۳- شرکت‌کنندگان باید قادر و مشتاق به همدلی و رعایت اعتبار دیگران باشند. (پذیرش نقش آرمانی)

۴- تفاوت قدرت موجود بین شرکت‌کننده‌ها در گفتگو باید خنثی شده باشد. (قدرت خنثی شده)

۵- شرکت‌کننده‌ها باید آزادانه منظور و اهدافشان را بیان کنند. (شفافیت)

مدل هابر ماس یعنی «اخلاق گفتمانی» نباید با مدل‌های «مذاکره» و «چانه‌زنی» یا با مدل «مصالحه» اشتباه شود. (۶)

امید داریم که با ادامه کار شوراها و تصحیح روش‌ها و پندارهای نادرست در زمینه وظایف این نهادهای مردمی، به مهندسین، مدیران اجرایی و کارشناسانی که نقش اساسی در تأمین آسایش و رفاه هم‌وطنان خود دارند و دلسوزانه به تعهدات حرفه‌ای خود پای‌بند هستند شانس مشاورت، هم‌فکری و مشارکت فعال‌تری داده شود.

به اعتقاد نگارنده، مهندسین، کارشناسان و خبرگان رشته‌های مختلف جامعه، فرهیختگانی هستند که بدون تکلیف سیاسی و در محدوده تخصص حرفه‌ای خود، در امری دخالت می‌کنند و از خود واکنش نشان می‌دهند که به منافع و مصالح کلی جامعه، به ویژه نسل‌های آینده دلبستگی دارد.

منابع و ماخذ

۱- روزنامه ایران در شماره ۱۱۴۸ چهارشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۷۷.

۲- سنت و مدرنیسم، دکتر صادق زیباکلام ۱۳۷۷.

۳- تجددطلبی و توسعه در ایران، دکتر موسی غنی‌نژاد ۱۳۷۷.

۴- یومال، برنامه‌ریزی در فرایند توسعه ترجمه غلامرضا احدی و سعیده شهابی ۱۳۷۴ صفحه ۱۱۹.

۵- روزنامه همشهری ۱۶ آذر ۱۳۷۷ مقاله بنت فلیو جرگ، ترجمه رضا استاد رحیمی.

۶- همان مرجع.